

- عزیزانم سلام! رویتان را میبوسم. نمی دانم چقدر از ماجراهای که در این مدت بر سر من رفته است خبر دارند. بطور خیلی خلاصه، فهرست برخی از مطالب را تا آنجا که در سطح محدود کاغذ اجازه دهد بدون هیچ مقدمه و با حذف بسیاری از مسائل در اینجا میآورم.
- ۱ - دستگیری من کاملا اتفاقی و توسط فرد تحریک شده ای صورت گرفت که در دوران مخفی جانی مغازه او ما یک مخفی گاه داشتیم و او بعد از طرف عناصر سپاه و حزب الهی ها فهمیده بود که یکی از افراد آنجا من بوده ام. محمد آقا نامی که در پاساژ سرچشمه خیاطی دارد و توسط شاهپور که دوست او بود و در ضمن از مخفی گاه ما مطلع بود در جریان قرار گرفته بود است.
 - ۲ - بعد از دستگیری و تحویل به کمیته مرکز و بردن چشم بسته به یک نقطه مجهول و تهدید و نا سزای بسیار و ایجاد یک مراسم اعدام و ۰۰۰ به انفرادی قصر منتقل شدم.
 - ۳ - فکر میکنم در این مدت مرا پیش محمد غرضی برده بودند که شناسائی کند و بعد از ده روز به انفرادی های اوین منتقل شدم. باز هم بوضع خشونت بار و تواءم با آزار شدید.
 - ۴ - آخر شب ۲۶ تیر ماه بیک خانه مخفی برده شدم. کوچوی مرا تحویل کسی داد که مدتها بعد فهمیدم اصغر صباغیان است و او در آن خانه مخفی بطور مشخص اما ظاهرا مخفی رهبری بازجویی از من را بعهده داشت.
- در زندان خصوصی آن خانه که یکی از خانه های امن ساواک یا مال طاغوتی ها بود در شرایط بسیار سخت و تواءم با فشارهای گوناگون ۳ بار بازجویی شدم که به هیچیک از سئوالات مربوط به فعالیت انقلابی گذشته خودم و تشکیلات پاسخی ندادم زیرا بدلائل گوناگون و از جمله بدلیل ماهیت سیاسی موضوع مورد تحقیق آنها که چنین تحقیقی در صلاحیت آنها نبود.
- ۶ - در این مدت دو بار هادی شخصا به ملاقات آمد. او شخصا فریب بسیار سادی است (از نظر سیاسی) و علیرغم ثمالی اش دقیقا در اختیار باند سوء استفاده گرانی که احاطه اش کرده بودند قرار داشت یکی از رؤس این باند اصغر و محمد عرضی بودند که بعد از آمدن قدوسی اوت شدند.
 - ۷ - هدف شدید همه آنها طبیعتا سه موضوع بود. الف - کسب اطلاعات از سازمانهای انقلابی چپ. ب - بدست آوردن زمینه و مدارک برای تبلیغ علیه مجاهدین مخصوصا در محظور قرار دادن مسر که یا باید از خودم و از گذشته تشکیلات در زمینه تغییر و تحول ایدئولوژیک دفاع کنم که خود مستقیما حاوی حملات و انتقادات وسیع ایدئولوژیک علیه مجاهدین میبود و یا اینکه سکوت کرده و کاملا محکوم گردم ج - انتقام جوئی و کسب مدارک.
 - ۸ - این سه هدف هنوز هم یا شدت بیشتر علیرغم تعویض گروهی که من در اختیارش هستم بقوت خود باقی است.
 - ۹ - گروهی که اخیرا من در اختیارش هستم اساسا وابسته به حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی هستند و جالب است که زمان هادی هم با تحویل من به اصغر موافق نبودند.
 - ۱۰ - در ۲ شهریور به زندان مخفی دیگری که البته بعدا علیرغم همه احتیاطات آنها فهمیدم یکی از پادگانهای لویزان است منتقل شدم.
 - ۱۱ - یک بار دیگر در آنجا بازجویی شدم و باز هم در جواب صلاحیت را مفضلا رد کردم.
 - ۱۲ - در این زندان فروکیف خود فروخته و بسیار خطرناکی را بدون اینکه من او و هویت اصلی اش را بشناسم ما مور کردند که از من اطلاعات کسب کند. نام اصلی او همان احمد رضا کریمی فرد بسیار کیف و خائن خود فروخته و معرفی اما بسیار با استعداد و مطلع از گذشته سازمانها بود. به من او را بنام احمدی عنصر دادستانی و پاسدار انقلاب معرفی کردند.
 - ۱۳ - آنها با او همکاری می کردند و یا بعبارت دیگر همان استفاده ای را که ساواک از او میکسرد حالا اینها میکردند. پرونده ها را در اختیار او میگذاشتند و او با توجه به شناسائی های قبلی اش که در جریان کار با ساواک بدست آورده بود برای آنها گزارش تهیه میکرد.
 - ۱۴ - حتی به احتمال زیاد در بازجویی هیئت تحویر به آیندگان نیز شرکت داشته است (بدون آنکه آنها بفهمند).
 - ۱۵ - او چهره انقلابی و مخالف دستگاه بخود میگرفت و طی ۴/۵ ماه انواع شگرد ها را بکار برد و عاقبت با روشن شدن دستش بعنوان شکجه گروانی مشغول بکار شد.

۲۸۳, ۵

- ۱۶ - در همین مدت کسان دیگری با ملاقاتهای رسمی و غیر رسمی با انواع تهیدیدات به شکنجه روانی می پرداختند از جمله این افراد کسی است بنام طارمی که بعداً فرمانده سپاه پاسداران قم شد . او هم بیاضافه فردی بنام مستعار سعید در باند غرضی و اضغر صباغیان بودند .
- ۱۷ - در مدت این ۵ / ۷ ماه از دادن حتی يك ربح هواخوری محروم بودم . در آن خانه مخفی و یاد رسیا هچال هائی که بودم حتی تشخیص روز از شب امکان پذیر نبود .
- ۱۸ - در آن زندان قدوسی یکبار مدت کوتاهی با من ملاقات کرد و گفت به مصلحت تان نیست که در دادگاه صلاحیت را رد کنید .
- ۱۹ - در این مدت بلحاظ پیش آمد های حساس در جامعه مثل انتخابات مجلس خبرگان یا بحران اواخر مرداد ماه آنها قصد داشتند این موضوع را در آن بحبوحه به دادگاه آورده و استقاده لازم را بکنند ، اما هر بار بدلیل امکان پذیر نشدن . البته مقاومت خود من تا کنون نقش اساسی در این جریان داشته است .
- ۲۰ - در شب ۱۰ بهمن به انفرادیهای اوین منتقل شدم . الان نیز در انفرادیهای قدیم همانجا که در سال ۵۰ زندان بودم منتهی يك سلول دیگر حبس هستم
- ۲۱ - بموازات تشدید مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیکی در جامعه بخصوص تشدید کینه واقعا عجیب گروههای حاکم علیه مجاهدین و چپی ها ، فشار ^{بسیار} بر من هم زیاد شده و توطئه آنها برای پرونده سازی علیه من مخصوصا که با فقدان هر گونه نقطه ضعف علیه شخص من روبرو شده اند گسترش ^{بسیار} می یابد .
- ۲۲ - بعد از همکاری شرم آور آنها با احمد رضا کریمی که هنوز نیز در خدمت آنهاست و حتی دستهای هم پیشنهاد کرده بودند او را به کردستان برای بازجویی ببرند با امر شرم آور دیگری هم در اینجا روبرو شدم .
- ۲۳ - اضغر میرزا جعفر علاف کسی که در سال ۵۶ خود ش را به پلیس معرفی کرد در اول سال ۵۷ (اگر تاریخ را اشتباه نکنم) طی يك مصاحبه فرمایشی انواع محش هارا نثار انقلابیون کرد در اینجا همراه کچوی (و با يك ضبط صوت مخفی در حین کچویی که در آخر آنرا کشف کردم) شروع به بازجویی و توهین و سؤال از من کرد .
- ۲۴ - از انواع تهمت ها و دروغهای شاخه ازر را که حتی يك ساواکی نیز حاضر به طرح آنها علیه من در تبلیغات خود نبود (بدلیل اینکه بیشتر خودشان را رسوا میکرد) مطرح کرد . از جمله اینکه مثلا ما سه نفر فقای شهید خودمان را در میدان شیریه به پلیس لو داده بودیم !! و چنین اراجیف .
- ۲۵ - آنها در آستانه انتخابات باز هم قصد داشتند این موضوع را علم کنند که ^{بدلیل} نتوانستند .
- ۲۶ - چاپ حساب شده نامه شریف واقفی ، دادن اعلامیه مغرضانه در دستانانی که بدون نام بردن از تشکیلات به آن طرز مسئله را طرح کرده بود . گروههایی که پشت این قضیه کار میکنند شروع به راه انداختن خانواده شهدائی که از طرز شهادت و زندان شان خبر ندارند کرده اند که بیایند و علیه من شکایت کنند . از جمله مثلا يك نمونه مسخره آن خانواده مرتضی خاموشی است ، یا خانواده حسنان که دقیقا آنها را متقاعد کرده اند که بیایند شکایت کنند . یا مثلا درباره شهادت SHZ بشدت مشغول پرونده سازی هستند .
- ۲۷ - مثلا اعلامیه ای چاپ کرده بودند تحت عنوان سازمان پیکار را بشناسید و باصطلاح افشاگری علیه من که صرف نظر از دروغهای آشکار آن از جمله اینکه فرار من را ساواک ترتیب داده بود !! که این اعلامیه را اولاً من اتفاقا اصلش و بسته بزرگی از آنرا در دفتر زندان مخفی دیدم (برای معاینه پزشکی در يك وضع اورژانس بد فتر برده بودندم) و جالب عکس من بود بر روی آن . این عکس منحصر بفردی است که ساواک در سال ۵۰ در اتاق حسینی از من گرفت و واضح است که تنها می توانست در آرشیوه ساواک باشد .
- آرشیوی که اینک تمام و کمال در سلطنت آباد و در نزد سپاه پاسداران ، آقایان منصوری بشارتی حاج محسن رفیق دوست (.....) است !! و از اینجا منشاء این تبلیغات کاملا معلوم میشود یا تبلیغاتی که در روزنامه خود سپاه علیه من راه انداختند که البته شنیده ام و ندیده ام ولی جالب است که آنها از یکطرف زندانیان و از طرف دیگر بازجو و قاضی تحقیق و از طرف دیگر رقیب سیاسی ایدئولوژیک و من هستند!
- ۲۸ - آخرین توطئه قضیه کاملا دروغ دستگیری کمالی است . کیهان در روزهای آخر صفحه اول نوشت که کمالی سر بازجوی معروف دستگیر شد . در حالیکه او در آذرماه دستگیر شده و تمام افراد بند ۱ این را میداند . در این مدت روزانه یکساعت عزت شاهی و دیگران او را آماده کرده اند که برنامه ها مانند پر -

نامه تهرانی علیه نیروهای انقلابی مخصوصا مجاهدین و مخصوصا در رابطه با قضیه تشکیلات ما اجرا کند .
به نحو خبر هم اگر دقت کنید بر رابطه کمالی (که اسم اصلی اش کمانگراست) با مجاهدین به
عنوان شکجه گر آنها که طبیعتا اطلاعات زیادی از آنها دارد تا کنید داشت . و اما کارهایی که شما باید
انجام بد هید که البته بسیار کم و ناچیز بوده اولاً ، نیروهای انقلابی به عمق توطئه پی برزند ، خودشان مسلماً
خواهند فهمید چه بکنند . اما علاوه بر چاپ اعلامیه و افشای این قضایا و تاکید بر سوابق انقلابی من
و تشکیلات تصریح و تاکید بر عدم صلاحیت دادگاه انقلاب و مخصوصا سوء استفاده گروههای سیاسی ذی
نفوذ در دستگاه قضائی لازم است چند نفر از رفقای آگاه و وارد اساساً يك ستاد برای برخورد فوری
و وسیع با تبلیغات و سائل مربوط به این قضایا تشکیل دهند . مثلاً بلافاصله بعد از نوشتن يك خبر در روز
نامه از طرف گروهها یا خانواده یا وکیل جواب داده شود . ثانیاً گروههای مترقی که در این رابطه
احساس مسئولیت میکنند می باید هرچه فوری تر ضمن تلگراف به دادستان کل و دادستان کل انقلاب اولاً
به فشارها و شکجهها و نقض ابتدائی ترین حقوق من اعتراض نموده و خواستار ملاقات هیأتی از کانون وکلا
از وضعیت من در زندان و علت ۹ ماه انفرادی من شوند . ثانیاً شدیداً این موضوع را افشاء کنند که دو
تن از عناصر خود فروخته ساواک (احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر عراف) به بازجویی و شکجه من
پرداخته اند . آقای وکیل و خانواده هم شدیداً روی این موضوع پیشاپیش تبلیغ و اعتراض کرده و رونوشت
تلگراف را به مطبوعات فرستاده سعی کنند در مطبوعات چاپ شود . موضوع برنامه سوء استفاده از کمالی
را بطور فوری و وسیع افشاء کرده و توطئه را خنثی کنید . آنها بشدت در صدور ایجاد جو تبلیغاتی در
دادگاه هستند مخصوصاً با استفاده از آدمهای خود فروخته ای همچون اصغر که حاضر است هر دروغ
و تهمت را علیه تشکیلات عنوان سازد . این موضوع را شدیداً تحت همان عنوان که چنین افراد فاسد
و همکاران ساواک از من بازجویی کرده و به شکجه روانی و آزار و توهین من پرداخته اند و تمام آثار و جوانب
آنرا افشاء کنید . خانواده نیز منتظر گروهها نمانده و با استفاده از تجربه آقای وکیل و همینطور رفقای
وارد به امور مرتباً اعتراض نموده و سعی کنند با پی گیری و استفاده از عناصر مترقی در مطبوعات چاپ
شود . مثلاً تلگرافی که خانواده برای قدوسی فرستاده بود در چند ماه پیش خیلی در شناخت قضیه از طرف
قدوسی مؤثر بوده . بعد از انتخابات بسیار مناسب است که بدعوت گروههای مترقی و در اعتراض به توطئه
هسا و همچنین فشارها و شکجه روانی و برای درخواست صدور رای عدم صلاحیت جمعی در مقابل
دادستانی ارتش صورت گیرد . مخصوصاً که مطابق برخی اطلاعات آنها متقلاً بلا قصد دارند يك راه
پیمائی گدارده و در بحبویه آن قضیه را در دادگاه مطرح سازند . بهر حال تمام نیروهای انقلابی باید
در قبال این قضیه احساس مسئولیت کنند . مخصوصاً مجاهدین باید بسیار هشیار یا شند که در يك
کلام اینها به خون آنها تشنه اند (بارها از من خواسته اند و حتی این او اواخر التماس که اگر ممکن است
چیزهایی در باره مسعود و . . . برایشان بنویسم !) که يك موضع عاقلانه و انقلابی گرفته و شدیداً و پیشا
پیش در افشاء توطئه با نیروهای چپ همکاری کنند .

موفق و پیروز باشید اول فروردین

۲۶ - آنها از اینکه بتوانند با این قبهل فشارها و آزار و اذیتها و شکجههای روانی که هر نیم ساعت یکبار جوخه اعدام
و . . . را بر ایم مجسم کنند مرا نرم کرده و با اصطلاح عملاً در مقابل مجاهدین خلق قرار دهند نا امید شده اند بنابراین
با توجه به اینکه واقعا تمام سوابق و پرونده قطورم در ساواک و در ادسی ارتش اختار آمیز و حاکی از يك مبارزه آشتی ناپذیر
طولانی است در حدی براه انداختن تبلیغات دروغ و تحریف آمیز و این نوع پرونده سازی شده اند .

توضیح

این نامه با خط بسیار ریز از زندان فرستاده شده و لذا در بعضی از جاها کلمه ای خوانده نشده که با چند نقطه مشخص
شده است . در ضمن شماره ۲۶ در اصل نامه هم تکرار آمده است .

۲۸۵ / ۱۰